

خطوط روند (Trend line)

تحلیل فنی بر این فرض استوار است که قیمت‌ها دارای روند هستند. روند به معنای حرکت قیمت در جهت افزایش و یا کاهش است. اگر مینیمم و ماکسیمم‌های موج قیمت در حال حرکت به سمت بالا باشد، یک روند بالا رو را تشکیل می‌دهد. برای روند پایین رو نیز به همین ترتیب نقطه اکستریم نمودار به سمت پایین حرکت می‌کند. ساده‌ترین ابزاری که برای شناسایی روند‌ها استفاده می‌کنیم خط روند است. خطوط روند در تحلیل فنی برای شناسایی و تأیید گرایش بازار، ابزار مهمی محسوب می‌شوند. خط روند قیمت، خط مستقیمی است که دو یا چند نقطه قیمت را به هم وصل می‌کند و سپس به سوی آینده امتداد می‌یابد تا به عنوان یک خط مقاومت یا حمایت عمل کند.



شکل 3-1

خط روند صعودی (Up Trend line)

خط روند صعودی شیئی مثبت دارد و از اتصال دو یا چند نقطه قیمت پائین (مینیمم) شکل می‌گیرد، مانند شکل 1-3. دومین قیمت پائین باید از اولین قیمت پائین بالاتر باشد تا خط، شیئی مثبت داشته باشد. خطوط سر بالا به عنوان مقاومت پشتیبان (Support) عمل می‌کنند که با جزئیات بیشتر به شرح آن می‌پردازیم و نشان می‌دهند تقاضای خالص (Net Demand) که با تقاضای منهای عرضه محاسبه می‌شود، در حال افزایش است. قیمت رو به افزایش با تقاضای رو به افزایش همراه و نشان دهنده اراده قوی خریداران است. میزان افزایش قیمت‌ها به قدرت و میزان تقاضای بستگی دارد. مادامی که قیمت‌ها بالای خط روند باقی بمانند، روند صعودی، یکدست و دست نخورده محسوب می‌شود. شکاف احتمالی در خط روند صعودی نشان می‌دهد تقاضای خالص تضعیف شده و تغییر در روند قریب الوقوع

شکست در خط روند

نمودار قیمت تا زمانی که، بالا تر (در روند صعودی) یا پایین تر (در روند نزولی) از خط روند قرار دارد، غالب بودن قدرت تقاضا یا عرضه را نشان می دهد، اگر شکستی در خط روند پدید آید، نشان دهنده آن است که عرضه یا تقاضای خالص رو به کاهش است و تغییر در روند قریب الوقوع به نظر می رسد.



شکل 2-3

در شکل 2-3، قیمت سهام شرکت مایکروسافت تا قبل از آوریل سال 2000 هرگاه به خط روند نزدیک شده، قدرت شکست آن را نداشته و به حرکت بالا رو ادامه داده است. مطابق این شکل مینیمم ها بر روی خط روند در حال بالا رفتن هستند ولی در ماه آوریل سال 2000 با شکسته شدن خط روند روند افزایشی خاتمه پیدا کرده و با تغییر در روند حرکت مواجه می شویم.

خط روند نزولی (Down Trendline)

خط روند نزولی دارای شیبی منفی است و از اتصال دو یا چند نقطه قیمت بالا (ماکسیمم) شکل می گیرد. دومین قیمت بالا باید از اولین قیمت بالا پائین تر باشد تا خط دارای شیبی منفی شود. خطوط رو به پائین به عنوان مقاومت (Resistance) عمل می کنند و نشان می دهند عرضه خالص (Net Supply) که با عرضه منهای تقاضا محاسبه می



شکل 3-3

شکل 3-4 نمودار سهام IBM را نشان می دهد که بیانگر شکست خط روند نزولي است. این شکست منجر به تغییر روند از پایین رو به بالا رو شده است.



شکل 3-4

اعتبار خط روند

برای رسم یک خط روند دو نقطه یا بیشتر لازم است. هر چه تعداد نقاط خط روند بیشتر باشد، ناحیه مقاومت قیمت که توسط این خط مشخص می شود، از قدرت بیشتری برخوردار است. گاهی یافتن بیش از دو نقطه برای تشکیل یک خط کار دشواری است. با اینکه خطوط روند قیمت یکی از جنبه های مهم تحلیل فنی هستند، همیشه نمی توان بر هر نمودار قیمتی این خطوط را رسم کرد. پاره ای اوقات قیمتهای پائین و بالا با هم هماهنگی ندارند و بهترین کار این است که نخواهیم به هر قیمتی این کار را بکنیم. قانون کلی تحلیل فنی این است که برای رسم خط روند حداقل دو نقطه لازم است و نقطه سوم بر درستی آن صحت می گذارد و خط رسم شده را معتبر می سازد.



شکل 3-5

شکل 3-5 نمودار EUR/USD یک خط روند صعودی را نشان می‌دهد که چهار نقطه تماس دارد. این خط، یک خط معتبر حمایت قیمت به شمار می‌آید که نشان می‌دهد این جفت ارز برای بار چهارم از این سطح جهش داشته و اعتبار سطح حمایت بیشتر نیز خواهد شد. مادامی که نمودار قیمت بالای خط روند باقی بماند، روند بالا رو خواهد بود. یک شکست در پائین، علامت آن است که عرضه خالص رو به افزایش است و تغییر در روند قیمت قریب الوقوع به نظر می‌رسد.

فاصله گذاری بین نقطه ها

قیمتهای پائینی که برای تشکیل خط روند صعودی به کار می‌روند و قیمت‌های بالایی که برای تشکیل خط روند نزولی به کار می‌روند، نباید زیاد دور از هم یا نزدیک به هم باشند. مناسب ترین فاصله بر اساس چار چوب زمانی، میزان تحرک قیمت و سلیقه شخصی تعیین می‌شود. اگر قیمت‌های پائین (یا بالا) خیلی نزدیک به هم باشند، اعتبار خط روند می‌تواند زیر سوال رود. اگر قیمت‌های پائین خیلی از هم دور باشند، می‌توان به رابطه بین دو نقطه شک کرد. خط روند ایده آل خطی است که از قیمت‌های پائین (یا بالا) با فواصل تقریباً مساوی تشکیل شده باشد.



شکل 3-6

شکل 3-6 نمودار سهام GM (General motors) را نشان می‌دهد که برای رسم خط روند در آن قیمت‌های پایین خوبی انتخاب شده است.

زاویه‌ها

با افزایش شیب خط روند، از اعتبار آن کاسته می‌شود. یک خط روند شیبدار، نتیجه صعود (یا نزول) ناگهانی قیمت در یک دوره کوتاه زمانی است. زیاد بودن شیب خط روند به معنای ناپایداری روند است و چنین تحرکاتی که ناگهانی شکل می‌گیرد، نمی‌تواند تراز مقاومت موثری برای روند ارائه دهد.

خط روند داخلی

بعضی مواقع به نظر می‌رسد امکان رسم یک خط روند وجود دارد. اما نقاط کاملاً با هم هماهنگ نیستند. ممکن است قیمت‌های بالا یا پایین دچار نقص باشند، شیب زاویه بیش از حد باشد یا نقطه‌ها بیش از حد به هم نزدیک باشند. اگر بتوان یک یا دو نقطه را نادیده گرفت، آنگاه تشکیل یک خط متناسب ممکن خواهد بود. ناپایداری بازار می‌تواند باعث شود قیمت‌ها بازتاب افراطی داشته باشند و تیزی‌هایی ایجاد کنند که باعث ناهنجاری در قیمت‌های بالا و پایین شود. یکی از روش‌های مقابله با بازتاب افراطی قیمت‌ها، رسم خطوط روند داخلی است. اگر چه چنین خطی تیزی‌های قیمت را نادیده می‌گیرد، ولی این چشم‌پوشی باید در چارچوبی منطقی باشد.



شکل 3-7

شکل 3-7 خط روند بلند مدت پوند در برابر ین را از مارس سال 1995 تا جولای سال 1998 نشان می‌دهد. قیمت‌های پائین از نقطه اوج فروش به وجود می‌آیند و تحرکات نامنظم قیمت‌هایی را نشان می‌دهند که خط روند را شکسته است، با ترسیم خط روند بوسیله قیمت‌های پائین زاویه خط منطقی به نظر خواهد رسید و دیگر قیمت‌های پائین به نحو بسیار خوبی هماهنگ می‌شوند. پاره‌ای مواقع یک خوشه قیمت به وجود می‌آید که تیزی‌های قیمت بالا یا پائین از آن بیرون می‌زند. خوشه قیمت به منطقه‌ای گفته می‌شود که در آن قیمت‌ها با دامنه‌ای محدود در یک دوره زمانی جمع می‌شوند.

خطوط مقاومت افقی

خطوط مقاومت افقی تقاطع‌های کلیدی هستند که نیروهای عرضه و تقاضا در آنجا به هم می‌رسند. در بازارهای مالی، نیروی رانش قیمت‌ها، عرضه مفرط و تقاضای مفرط است. از این پس این اصطلاحات به صورت متناوب به کار خواهند رفت. قیمت با افزایش تقاضا، بالا و با افزایش عرضه، پائین می‌آید. وقتی میزان عرضه و تقاضا یکسان باشد، قیمت‌ها در یک ناحیه با حداقل و حداکثر مشخصی شروع به نوسان می‌کند.

ما می‌دانیم که عرضه و تقاضا موجب نوسان می‌شود، خطوط مقاومت نقاط کلیدی هستند که تداوم ارتباط عرضه، تقاضا یا برهم خوردن این ارتباط و شروع وضعیت جدید را به ما نشان می‌دهد. هر چه مهارت ما در پیدا کردن خط مقاومت بیشتر باشد، برای انجام معاملات فرصت‌های بهتری پیدا می‌کنیم. مقاومت‌های پایین‌تر از قیمت فعلی را مقاومت پشتیبان (Support) و مقاومت‌های بالا تر از قیمت فعلی را مقاومت بالا (Resistance) می‌گوییم.

مقاومت پشتیبان (Support)

مقاومت پشتیبان سطح قیمتی است که طی آن تقاضا به قدر کافی قدرت دارد که بتواند از پائین آمدن بیشتر قیمت جلوگیری کند. منطق می گوید خریداران با پائین آمدن قیمت بیشتر به خرید متمایل می شوند و فروشندگان تمایل کمتری به فروش نشان خواهند داد. وقتی قیمت به مقاومت پشتیبان برسد، این باور وجود دارد که تقاضا بر عرضه غالب می شود و از سقوط قیمت به زیر خط مقاومت ممانعت می کند.



شکل 3-8

شکل 3-8 خط مقاومت پشتیبان را نشان می دهد. قیمت چهار بار به این سطح رسیده ولی قدرت شکست سطح مقاومت را نداشته است. خط مقاومت همیشه یکسان باقی نمی ماند و شکاف در پائین آن علامت آن است که عرضه بر تقاضا غالب شده است. نزول قیمت به زیر این خط نشان دهنده رغبت جدیدی برای فروش و یا نداشتن انگیزه برای خرید است. شکست در خط مقاومت پشتیبان نشانگر قیمت های پائین تر است، فروشندگان از انتظارات خود کم کرده و مایلند حتی به قیمت پائین تری بفروشند. علاوه بر این، تا زمانی که قیمت ها تا پائین خط مقاومت پشتیبان یا قیمت پائین قبلی نزول نکنند (که با کمک موج های گذشته می توان آن را به دست آورد)، خریداران برای خرید مجاب نمی شوند. در صورتی که تراز مقاومت شکسته شود، باید تراز دیگری در سطح پائین تر ایجاد شود.

خط مقاومت پشتیبان کجا به وجود می آید؟

ترازهای مقاومتی پشتیبان معمولاً پائین قیمت جاری قرار دارند اما یک ورق بهادار می تواند در سطح حمایت یا نزدیک آن معامله شود. پاره ای مواقع ایجاد سطوح دقیق حمایت دشوار است. علاوه بر این تحركات قیمت می تواند متغیر باشد و براحتی به پائین تر از سطح حمایت نزول کند. بعضی مواقع منطقی به نظر نمی رسد اگر قیمت زیر سطح به وجود آمده حمایت بسته شود، این سطح را شکسته به حساب آوریم، به همین دلیل برخی از معامله گران و سرمایه گذاران حوزه های حمایت تشکیل می دهند.

مقاومت بالا (Resistance)

مقاومت بالا به سطح قیمتی گفته می شود که در آن عرضه از قدرت کافی برخوردار باشد و بتواند مانع افزایش بیشتر قیمت شود. منطق می گوید زمانی که قیمت به سمت مقاومت بالا می رود، فروشندگان تمایل بیشتری به فروش و خریداران تمایل کمتری به خرید خواهند داشت. زمانی که قیمت به سطح مقاومت برسد، عرضه بر تقاضا غالب شده و مانع از افزایش قیمت به بالاتر سطح مقاومت می شود.

مقاومت بالا همواره یکسان باقی نمی ماند و شکاف بالایی مقاومت، نشان می دهد تقاضا بر عرضه غلبه کرده است. شکست مقاومت نشان دهنده رغبت جدیدی برای خرید و یا فقدان انگیزه برای فروش است. شکست مقاومت و قیمت های بالایی جدید نشانه آن است که انتظارات خریداران بیشتر شده و آنها حاضرند حتی به قیمت بالاتری خرید کنند. علاوه بر این فروشندگان تا زمانی که قیمت ها به بالایی خط مقاومت یا بالاتر از قیمت قبلی نرسند، ترغیب به فروش نمی شوند. اگر مقاومت شکسته شود، باید در تراز بالاتری سطح مقاومت دیگری ایجاد کرد.

مقاومت در کجا به وجود می آید؟

سطوح مقاومت معمولا بالایی قیمت جاری هستند اما می توان اوراق بهادار را روی سطح مقاومت یا نزدیک آن نیز معامله کرد. به علاوه تحرکات قیمت می تواند ناپایدار باشد و به سادگی بالاتر از خط مقاومت برود. بعضی مواقع منطقی به نظر نمی رسد اگر قیمت در بالایی سطح مقاومت ایجاد شده بسته شود، سطح مقاومت را شکسته در نظر بگیریم. به همین دلیل برخی معامله گران و سرمایه گذاران حوزه های مقاومت تشکیل می دهند.

روشهای ایجاد حمایت و مقاومت

با رسم خط افقی بر روی مینیمم های هم سطح، خط مقاومت پشتیبان و با رسم خط افقی بر روی ماکسیمم های هم سطح، خط مقاومت بالا به دست می آید. به شکل 9-3 توجه کنید.



شکل 9-3

شکل 9-3 برابری یورو در برابر دلار آمریکا را در مارس سال 2004 نشان می دهد. مقاومت پشتیبان از نرخ 1.2186 و مقاومت بالا از نرخ 1.2400 تشکیل شده و پس از هر برخورد با مقاومت پشتیبان تا مقاومت بالا پیش رفته است. وقتی خط مقاومت پشتیبان شکسته شود، می تواند به مقاومت بالا و یا برعکس تبدیل شود.

مقاومت پشتیبان برابر با مقاومت بالا

تحلیل فنی می گوید خطوط مقاومت بالا و مقاومت پشتیبان قابل تبدیل به یکدیگرند. در صورتی که قیمت، مقاومت پشتیبان را بشکند، سطح مقاومت شکسته شده می تواند به مقاومت بالا تبدیل شود. شکست مقاومت پشتیبان نشانه آن است که نیروی عرضه بر نیروی تقاضا غالب شده است. بنابراین اگر قیمت به این سطح بازگردد، ممکن است عرضه افزایش یابد و سپس مقاومت بالا تشکیل شود.



شکل 3-10

همچنین مقاومت بالا می تواند به مقاومت پشتیبان تبدیل شود. اگر قیمت، مقاومت بالا را بشکند، نشان دهنده تغییراتی در عرضه و تقاضاست. شکست بالایی سطح مقاومت بالا، ثابت می کند نیروهای تقاضا بر نیروهای عرضه فائق آمده اند. اگر قیمت به این سطح بازگردد، احتمال بالا رفتن تقاضا وجود دارد و مقاومت پشتیبان پدید می آید. شکل 3-10 چنین مقاومتی را نشان می دهد.



شکل 3-11

شکل 3-11 نمودار پوند در برابر دلار آمریکا را نشان می‌دهد مقاومت پشتیبان می‌تواند به مقاومت بالا تبدیل شده و سپس دوباره به مقاومت پشتیبان برگردد. از مارس تا آوریل سال 2004 مقاومت پشتیبان برای پوند در برابر دلار، خط 1.8042 بوده است اما اواخر آوریل سال 2004 با غلبه یافتن عرضه بر تقاضا، سطح پشتیبان شکسته و از آن پس به مقاومت بالا تبدیل شده است. تقاضا مجدد بر عرضه غلبه کرده و نرخ 1.8042 به مقاومت پشتیبان تبدیل شده است. گاهی اوقات شکست خطوط مقاومت در زمان کوتاهی اتفاق می‌افتد که معمولاً با جابجایی زیادی نیز همراه است. به شکل 3-12 توجه کنید.



شکل 3-12

شکل 3-12 نمودار KO را نشان می‌دهد که شامل یک ناحیه تجمع مثلثی شکل از دسامبر سال 2003 تا جولای سال 2004 است. بیشترین افزایشی که KO در این مدت داشته، از دسامبر سال 2003 تا آوریل سال 2004 با شکست خط روند بالا رو بوده که برابر با 6.80 دلار (از 46.25 به 53.05) است. KO در بیستم جولای سال 2004 با یک کاهش 7.19 دلاری (از 50.27 به 43.08) در کمتر از دو هفته مواجه بوده است. به شکست مقاومت بالا به این شکل (Breakout) و به شکست سریع مقاومت پشتیبان (Breakdown) می‌گویند.

گستره معامله (Trading Range)

گستره‌های معاملاتی که نشان‌دهنده وضعیت آرام عرضه و تقاضا هستند، نقش مهمی در تعیین خطوط مقاومت ایفا می‌کنند. گستره معامله یک دوره زمانی است که طی آن قیمت‌ها در چهارچوب نسبتاً بسته‌ای حرکت می‌کنند.



شکل 3-13

مناطق حمایت و مقاومت

بعضی اوقات داشتن مقاومت به صورت منطقه ای کار سودمندی خواهد بود. هر ورق بهاداری ویژگیهای خاص خود را دارد و تحلیل باید بازتاب پیچیدگی های آن باشد. پاره ای اوقات سطوح دقیق مقاومت بهترین هستند و پاره ای اوقات منطقه های آنها بهتر عمل می کنند. به طور کلی هر چه محدوده بسته تر باشد، سطح دقیق تر خواهد بود. اگر محدوده معامله کمتر از چند هفته را در برگیرد و گستره قیمت محدود باشد، آنگاه سطوح دقیق تر حمایت و مقاومت مناسب تر خواهند بود. اگر محدوده معامله چندین ماه را در برگیرد و گستره قیمت نسبتاً وسیع باشد، آن وقت شاید بهترین کار استفاده از حوزه های مقاومت باشد. اینها فقط راهنمایی هایی کلی به شمار می آیند و هر محدوده معامله ای باید بر اساس مختصات خود مورد قضاوت قرار گیرد.



شکل 3-14

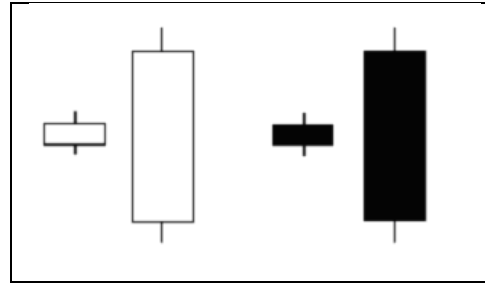
اگر به تحلیل نمودار CAT در شکل 3-14 رجوع کنیم، می بینیم قیمت از دسامبر سال 1987 تا آوریل سال 1990 در محدوده (16.97 تا 13.30) دامنه معامله را کاملاً گسترش داده است. اما مجموعه مینیمم، ماکسیمم ها نواحی مقاومت تشکیل می دهد.

نمودارهای شمعی (Candlestick)

در بخش نمودارها با نحوه تشکیل شمع ها آشنا شدیم. بدنه و سایه شمع ها دارای اندازه های متفاوتی هستند. مثلاً شمع هایی با بدنه کوچک و سایه بالای بلند یا سایه های کوتاه و بدنه بلند وجود دارند. این گوناگونی می تواند حاوی اطلاعات مهمی برای تحلیل نیروی عرضه و تقاضا در بازار باشد که در این بخش با جزئیات بیشتری به بررسی این الگوها می پردازیم.

بدنه های بلند و بدنه های کوتاه

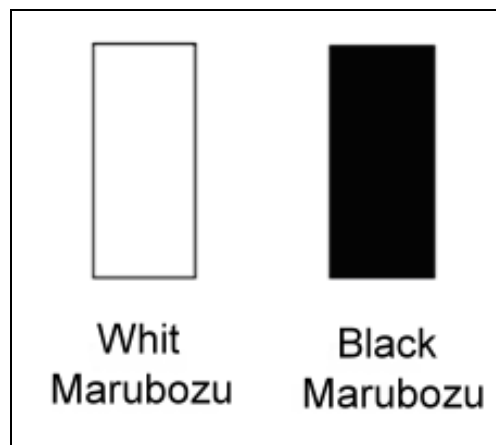
به طور کلی، هر چه بدنه بلند تر باشد، فشارخورد یا فروش شدید تر است و برعکس آن، شمع های کوتاه نشانه حرکت جزئی قیمت است و ایستایی را نشان می دهد.



شکل 3-15

با وجود آنکه شمع های سفید بلند فشارقوي بر خريد را نشان مي دهند ليکن وابستگی زيادي به موقيت مکانی خود نسبت به روند موجود در بازار دارند. برای مثال پس از یک نزول قیمت طولانی، شمع های بلند سفید رنگ می توانند نشانه یک نقطه عطف یا مقاومت پشتیبان بالقوه ای باشند.

شمع های سیاه بلند، فشار قوي فروش را نشان مي دهند. پس از یک صعود قیمت طولانی، شمع سیاه بلند می تواند حاکی از یک نقطه عطف یا نشانه یک مقاومت بالای بالقوه باشد.

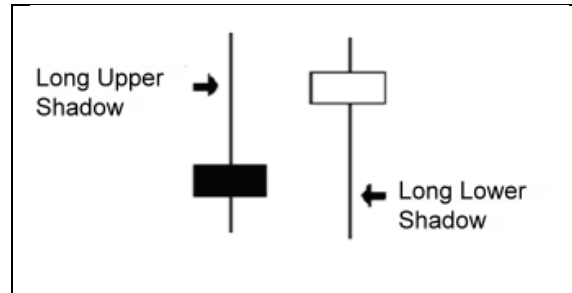


شکل 3-16

از انواع شمع های بلند با قدرت می توان از ماریوزو (Marubozu) سیاه و سفید نام برد، شکل 3-16. ماریوزو سایه بالا و پائین ندارد و قیمت های بالا و پائین توسط قیمت های اولیه و پایانی نشان داده می شوند. وقتی قیمت اولیه با قیمت پائین برابر باشد و قیمت پایانی برابر با قیمت بالا، یک ماریوزو سفید شکل می گیرد. این نشان دهنده آن است که خریداران عملکرد قیمت را از اولین معامله تا آخرین آن تحت کنترل داشته اند. وقتی قیمت اولیه با قیمت بالا و قیمت انتهایی با قیمت پائین برابر باشد، ماریوزو سیاه شکل می گیرد. این نشانه آن است که فروشندگان عملکرد قیمت را از معامله اول تا معامله آخر تحت کنترل داشته اند.

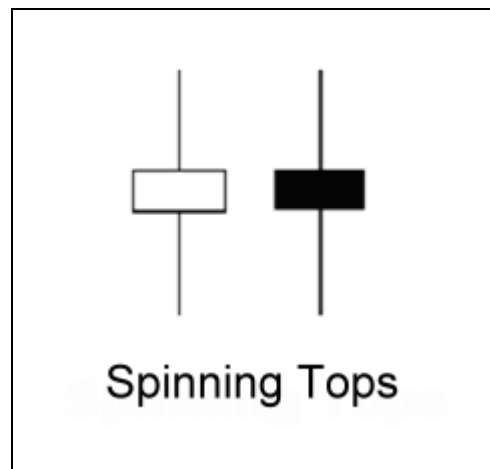
سایه بلند و سایه کوتاه

سایه های بالایی و پائینی شمع ها می توانند حاوی اطلاعات ارزشمندی باشند. شمع با سایه بالایی بلند و سایه پائینی کوتاه نشان می دهد، خریداران در دوره زمانی غالب بوده و قیمت های پیشنهادی را بالاتر برده اند. هر چند فروشندگان در ادامه قیمت ها را به اجبار از حد خود نزول داده و منجر به ایجاد یک سایه بالایی بلند شده اند. در



شکل 3-17

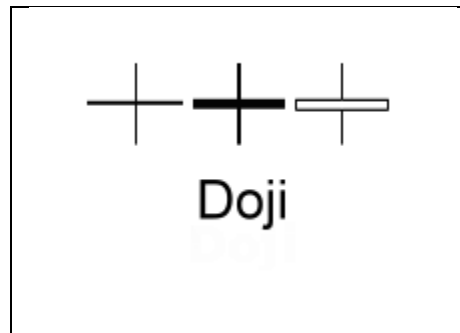
شمع هایی با سایه بالایی بلند، سایه پایینی بلند و بدنه کوچک، فرفره (Spinning Top) نامیده می شوند. یک سایه بلند نشانه نوعی وارونگی است. فرفره نشانه ای از بی تصمیمی است. بدنه کوچک (چه توخالی و چه توپر) حرکت ناچیزی از قیمت اولیه به قیمت پایانی را نشان می دهد و سایه ها نشانه آن هستند که خریداران و فروشندگان طی دوره زمانی فعال بوده اند. اگر چه دوره زمانی با حداقل تغییر آغاز شده و پایان یافته است اما در این فاصله قیمت ها به طور قابل ملاحظه ای تغییر کرده اند و هیچ یک از خریداران و فروشندگان دارای برتری نبوده اند. پس از یک صعود طولانی قیمت یا یک شمع سفید بلند، یک فرفره نشانه ضعف در میان خریداران و تغییر یا گسیختگی بالقوه در روند است (شکل 3-18).



شکل 3-18

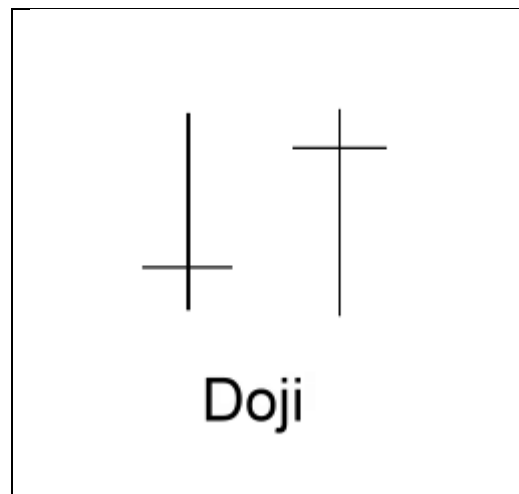
داجی (Doji)

داجی یک نمودار شمعی دارای اهمیت است که به تنهایی حاوی اطلاعات بوده و همچنین در تعدادی از الگوهای مهم نقشی اساسی دارد. وقتی قیمت اولیه و پایانی یک ورق بهادار تقریباً برابر باشد، یک داجی تشکیل می شود. طول سایه های بالا و پایینی می تواند متفاوت باشد و در نتیجه شمع به شکل یک صلیب، صلیب وارونه و یا یک



شکل 3-19

بهترین حالت آن است که قیمت اولیه و پایانی با هم مساوی باشند اما لزوماً چنین نیست. در عین حال که یک داجی با قیمت‌های برابر اولیه و پایانی، قدرتمندتر محسوب می‌شود اما درک ویژگی‌های شمع بیشتر اهمیت دارد. داجی نشان‌دهنده حس بی‌تصمیمی و زور آزمایی بین خریداران و فروشندگان است. قیمت در طول دوره زمانی بالا و پائین قیمت اولیه حرکت می‌کند اما با همان قیمت اولیه یا نزدیک آن بسته می‌شود و نتیجه این امر کناره جویی است. خریداران و فروشندگان قادر به در دست گرفتن کنترل نیستند و یک نقطه چرخش می‌تواند شکل گیرد.

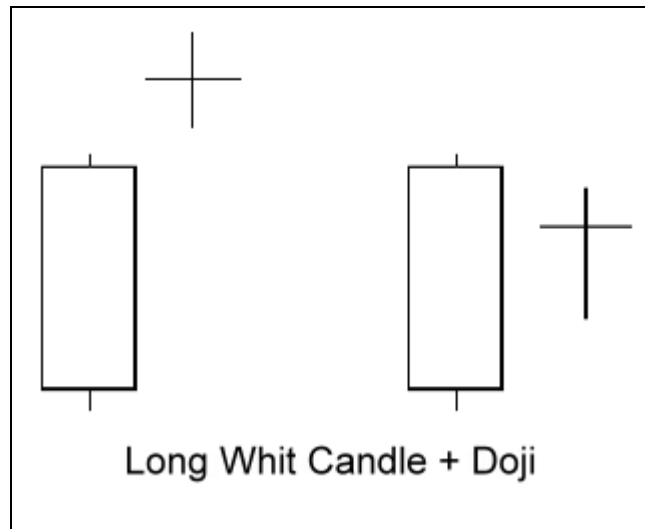


شکل 3-20

اوراق بهادار مختلف معیارهای مختلفی برای تعیین قدرت داجی دارند. یک سهم 20 دلاری می‌تواند یک داجی با یک هشتم واحد (واحد برای سهام می‌تواند یک دلار باشد) اختلاف بین قیمت اولیه و پایانی تشکیل دهد اما سهم 200 دلاری یک داجی با یک و یک چهارم واحد اختلاف تشکیل می‌دهد. تعیین قدرت داجی به قیمت، تغییر پذیری فعلی و شمع‌های قبلی بستگی دارد. داجی قبلی نسبت به شمع‌ها باید بدنه بسیار کوچکی داشته باشد که شبیه به یک خط باریک به نظر برسد. یک داجی که میان دیگر شمع‌ها با بدنه کوچک شکل می‌گیرد، مهم به حساب نمی‌آید.

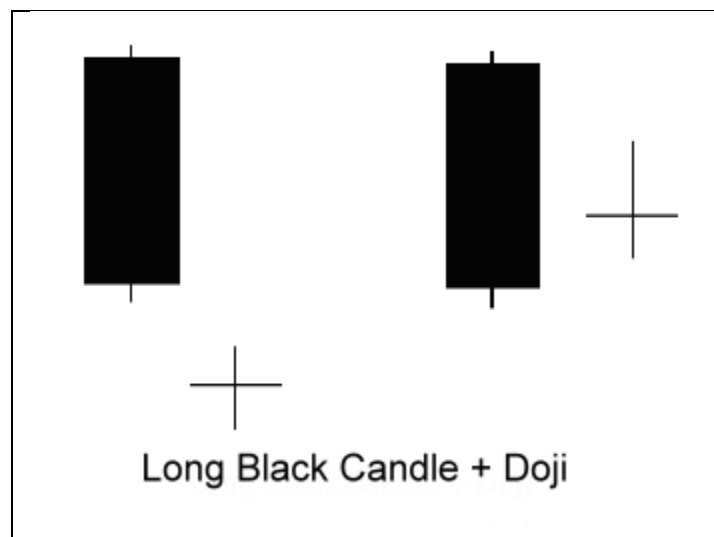
داجي و روند

مطرح بودن یک داجي، به روند یا شمع هاي پيشين بستگي دارد. پس از یک صعود یا شمع سفید بلند، داجي نشان دهنده ضعف شدن فشار خرید است. داجي پس از نزول یا شمع سیاه بلند نیز علامت مي دهد، فشار فروش رو به کاهش دارد. داجي نشان مي دهد نیروهاي عرضه و تقاضا در حال یکسان شدن بیشتر با یکدیگر هستند و یک تغییر در روند مي تواند نزدیک باشد. داجي به تنهایی براي تعیین تغییر جهت کافی نیست و شاید تأیید بعدي لازم باشد.



شکل 3-21

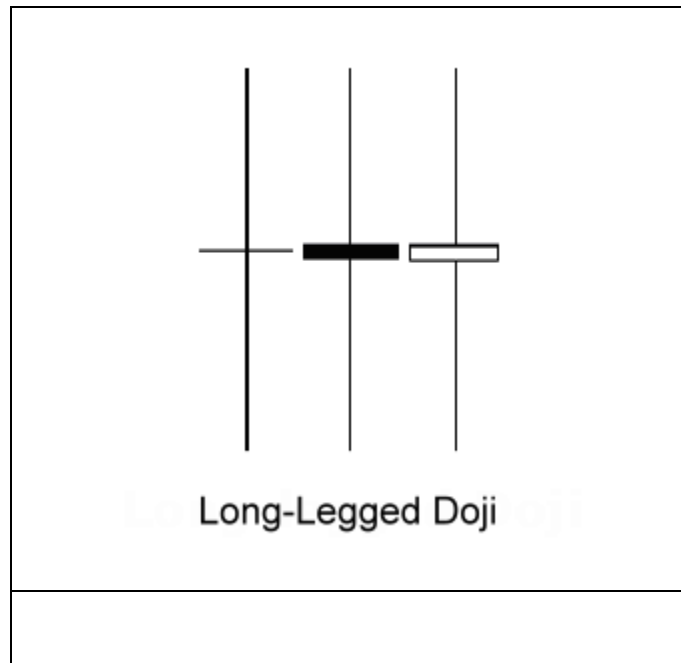
داجي پس از صعود قیمت یا شمع سفید بلند، علامت مي دهد که فشار خرید رو به کاهش است و روند صعودي مي تواند نزدیک به پایان خود باشد. از آنجا که یک سهام صرفاً در اثر فقدان خریدار مي تواند نزول کند، تداوم فشار خرید براي حفظ روند صعودي لازم است. بنابراین پس از یک روند صعودي یا شمع سفید بلند، داجي اهمیت بیشتری پیدا مي کند. حتي پس از شکل گيري داجي، براي تأیید تغییر جهت، کاهش قیمت بیشتری لازم است.



شکل 3-22

داجي پس از نزول قیمت یا شمع سیاه بلند، خاطر نشان می سازد فشار فروش ممکن است رو به کاهش داشته و روند نزولي رو به اتمام باشد. عرضه بتدریج کنترل خود را بر نزول قیمت از دست می دهد اما برای تأیید هر تغییر روند نیروی بیشتری لازم است. تأیید تقاضا می تواند با یک شمع سفید بلند یا بالاتر رفتن قیمت از قیمت اولیه شمع سیاه بلند باشد.

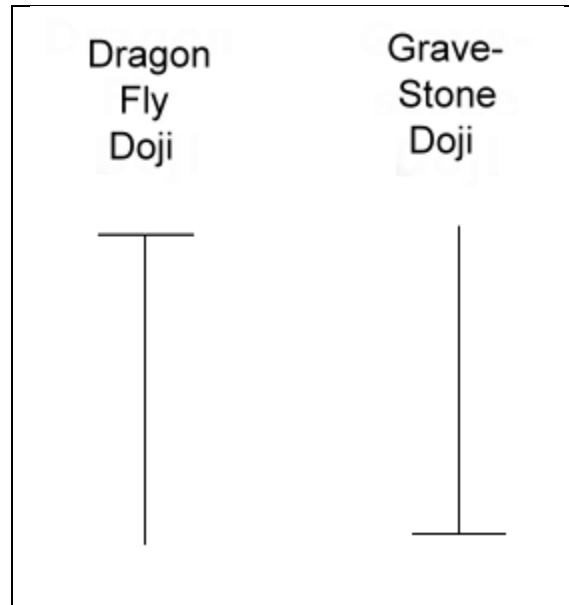
داجي پایه بلند (Long-Legged Doji)



شکل 3-23

داجي پایه بلند دارای سایه های بلند پائین و بالاست که تقریباً طولی مساوی با هم دارند. این داجي ها منعکس کننده بی تصمیمی مفرط در بازار هستند. داجي پایه بلند نشان می دهد قیمت ها به خوبی بالا و پائین شده اند اما دوره زمانی تقریباً با همان قیمت اولیه بسته شده است. پس از هیاهو و جنجال بسیار، نتیجه پایانی تفاوت ناچیزی با قیمت اولیه نشان می دهد.

داجي سنجاقک (Dragonfly Doji)



شکل 3-24

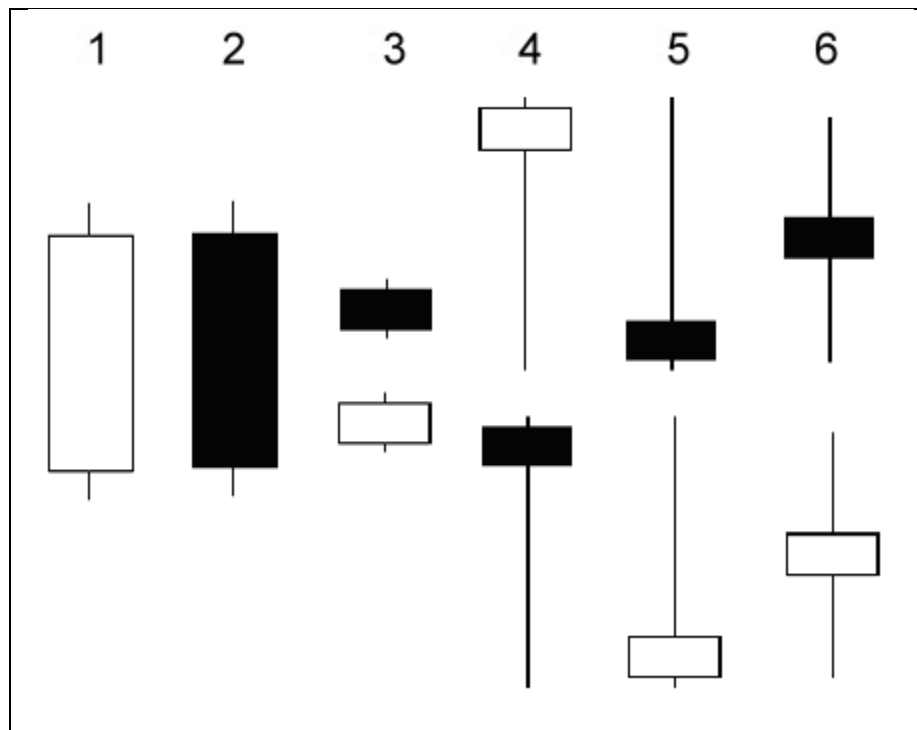
وقتی قیمت اولیه، بالا و پایان برابر باشند و قیمت پائین، سایه بلند پائینی ایجاد کند، داجی سنجاقک شکل می گیرد. شمع تشکیل شده به شکل "T" با سایه بلند پائین و بدون سایه بالا خواهد بود. داجی سنجاقک نشان می دهد فروشندگان در طول دوره بر معامله غلبه داشته و قیمت ها را کاهش داده اند. در پایان دوره، خریداران مجدداً مشارکت را شروع کرده و قیمت ها را وادار کردند به سطح اولیه و قیمت بالای طول دوره بازگردد. پیامد وارونگی داجی سنجاقک به عملکرد قبلی قیمت و تأیید آینده بستگی دارد، سایه بلند پائینی دلالت بر فشار خرید دارد اما قیمت پائین نشان می دهد، هنوز فروشندگان زیادی وجود دارند.

داجی سنگ قبر (Gravestone Doji)

داجی سنگ قبر وقتی شکل می گیرد که قیمت اولیه پائین و پایانی برابر باشند و قیمت بالا یک سایه بلند بالایی ایجاد کند. شمع ناشی از این وضعیت به شکل "T" وارونه با سایه بلندی در بالا و بدون سایه در پائین است. داجی سنگ قبر نشان می دهد خریداران در طول دوره معاملات را تحت سلطه خود داشته و قیمت ها را بالاتر برده اند، هر چند در پایان دوره فروشندگان دوباره فعال شده و قیمت ها را به سطح اولیه و قیمت پائین دوره بازگردانده اند. پیامد وارونگی داجی سنگ قبر مانند داجی سنجاقک و دیگر شمع ها، به عملکرد قیمت قبلی و تأیید آینده بستگی دارد. اگر چه سایه بلند بالا نشان از شکست افزایش قیمت دارد قیمت بالا در طول دوره دلایلی بر وجود فشار خرید است.

تشخیص قدرت به کمک نمودار شمعی

یک شمع نشان دهنده مبارزه بین خریداران و فروشندگان طی یک دوره مشخص زمانی است. مشابه این مبارزه را می توان بین دو تیم فوتبال دید که می توانیم آنها را تیم های خریداران و فروشندگان نامید. قیمت پائین نشانه عبور توپ از خط دروازه برای فروشندگان و قیمت بالا نشانه عبور توپ از خط دروازه برای خریداران است. هر چه قیمت پایانی به قیمت بالا نزدیکتر باشد، خریداران به عبور توپ نزدیکتر هستند. هر چه قیمت پایانی به قیمت پائین نزدیکتر



شکل 3-25

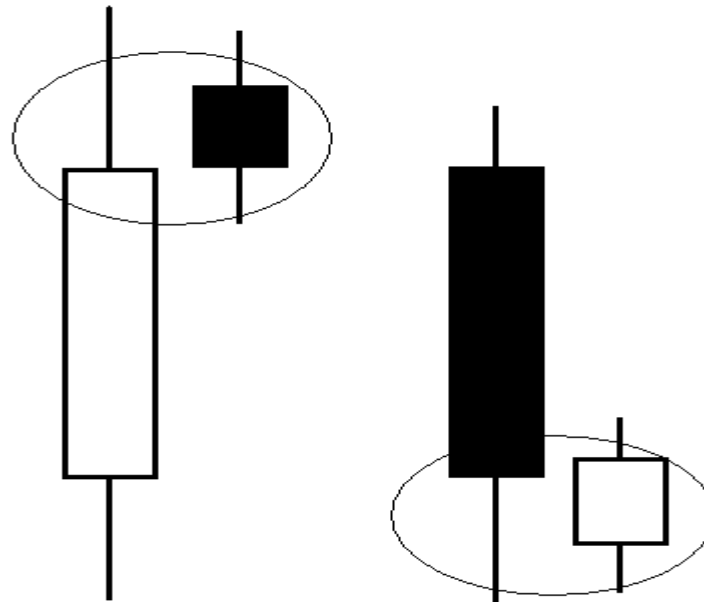
1. شمع های سفید بلند نشان می دهند، در بخش عمده مسابقه خریداران توپ (معامله) را تحت کنترل داشته اند.
2. شمع های سیاه بلند نشان می دهند، در بیشتر طول مسابقه فروشندگان توپ (معامله) را در اختیار داشته اند.
3. شمع های کوچک نشان می دهند، هیچ تیمی نتوانسته توپ را به حرکت درآورد و قیمت ها همانجا که شروع شده بودند، به انتها رسیده اند.
4. سایه بلند پائین نشان می دهد، فروشندگان در قسمتی از بازی، توپ را در اختیار داشته اما در انتها کنترل توپ را از دست داده و در مقابل خریداران بازگشت تحسین آمیزی به قدرت داشته اند.
5. سایه بلند بالا نشان می دهد، خریداران در بخشی از بازی کنترل توپ را در دست داشته اما در پایان کنترل آن را از دست داده و فروشندگان به طور موثری به قدرت بازگشته اند.
6. سایه بلند پائین و بالا نشان می دهد، هر دو تیم در طول بازی لحظاتی را از آن خود کرده اند اما هیچ یک نتوانسته اند دیگری را از میدان به در کنند و این امر منجر به ایستایی و انفعال شده است.

روند پیشین

برای آنکه بتوانیم از علائم نمودار شمعی استفاده کنیم، باید یک روند پیشین وجود داشته باشد که معکوس شود. تغییر جهت های بالا رو مستلزم روند نزولی قبلی و تغییر جهت های پایین رو مستلزم روند صعودی قبلی هستند. جهت روند را می توان با استفاده از خطوط روند، میانگین های متحرک (در بخش نشانگرها) و دیگر جنبه های تحلیل فنی تعیین کرد. از آنجا که شمع ها طبیعتاً کوتاه مدت هستند، معمولاً بهتر است در یک تا هشت شمع آخر عملکرد قیمت را مد نظر داشته باشیم.

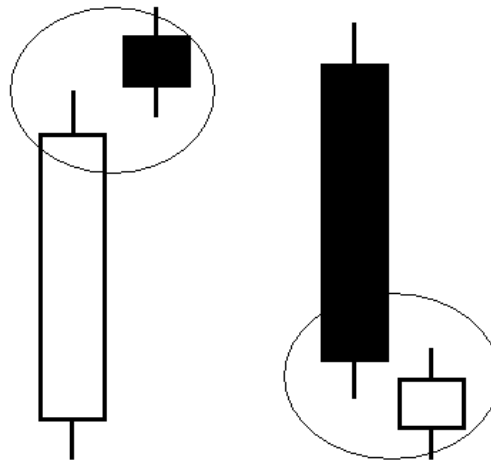
شکاف (Gap)

در روند معمولی نمودار قیمت پایانی هر شمع در بدنه شمع قبل قرار می گیرد. بعضی مواقع ممکن است قیمت پایانی در سایه شمع قبل قرار گیرد که به آن شکاف نسبی (Partial Gap) می گوئیم. شکافهای نسبی می توانند نشانه برگشت یا تداوم حرکت باشند.



3-26

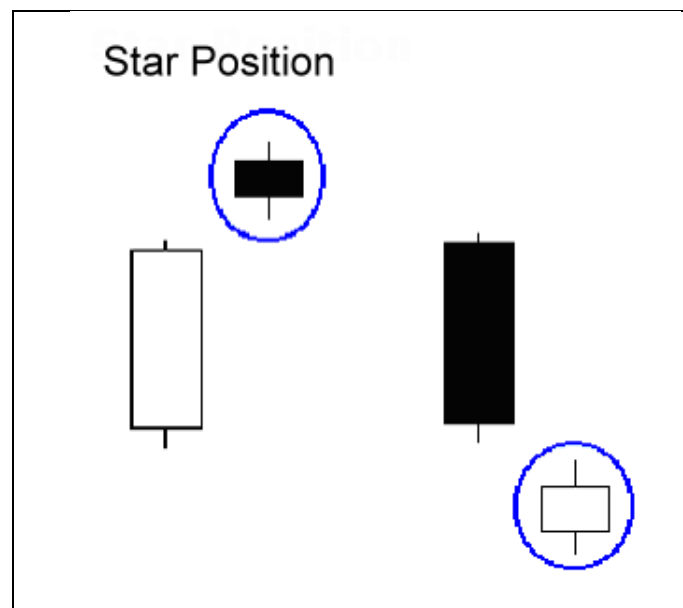
در شکل 3-26 اگر قیمت پایانی خارج از سایه و بدنه شمع قبل باشد، به آن شکاف کامل (Full Gap) می گوئیم. شکسته شدن خطهای مقاومت و حرکت های سریع ممکن است با شکاف همراه باشد که شدت حرکت را نشان می دهد. شکل (3-27)



شکل 3-27

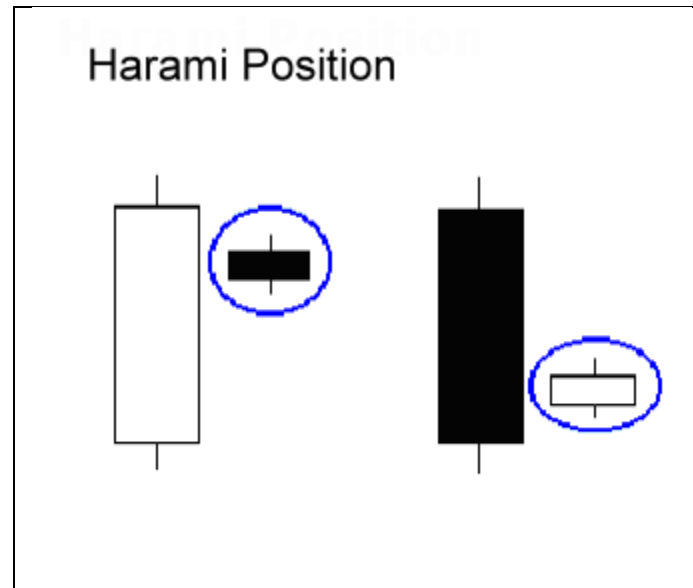
نحوه استقرار شمعها

وضعیت ستاره (Star Position)



شکل 3-28

هر گاه شمعی نسبت به شمع قبلی دارای شکاف باشد، یک وضعیت ستاره خوانده می شود. اولین شمع معمولاً یک بدنه بزرگ دارد اما نه همیشه، و دومین شمع در وضعیت ستاره دارای یک بدنه کوچک است. شمع حالت ستاره، بسته به شمع قبلی، به بالا یا پائین شکافی دارد و از عملکرد قیمت قبلی منفک به نظر می رسد. دو شمع می توانند هر گونه ترکیبی از سیاه و سفید را داشته باشند.



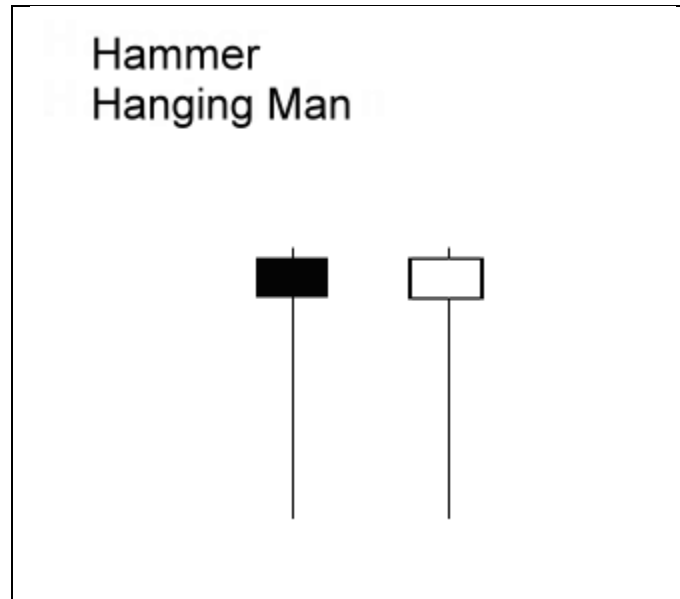
شکل 3-29

شمعی که داخل بدنه شمع قبلی تشکیل می شود، در وضعیت هرامی است. هرامی به زبان ژاپنی یعنی باردار و در اینجا شمع دوم داخل شمع اول جای می گیرد. همانطور که گفته شد، اولین شمع معمولاً یک بدنه بزرگ و دومین شمع بدنه کوچکتری دارد. سایه های دومین شمع لازم نیست داخل شمع اول جای گیرند اما ترجیحاً بهتر است چنین باشند.

سایه های بلند و تغییر روند

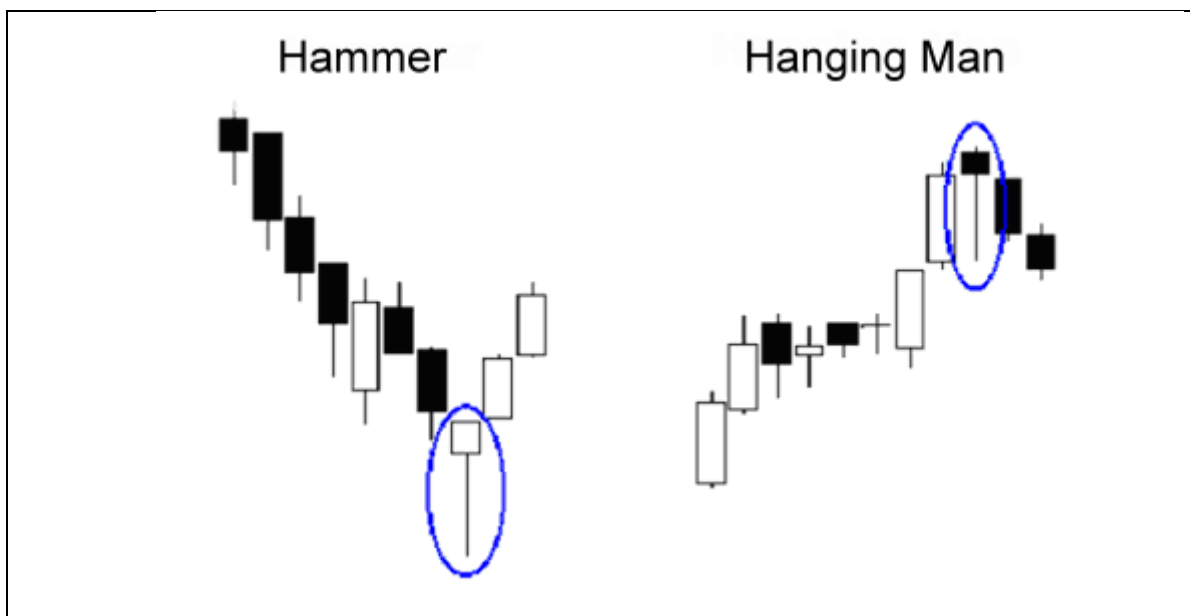
دوالگویی وارونگی شمع تکی وجود دارد که از بدنه ای کوچک، یک سایه بلند و یک سایه کوتاه یا بدون سایه تشکیل می شود. عموماً سایه بلند باید لااقل دو برابر طول بدنه (چه توپر و چه توخالی) باشد. موقعیت مکانی سایه بلند و عملکرد قیمت قبلی طبقه بندی را مشخص می کند. در اینجا به بررسی این الگوها می پردازیم.

چکش (Hammer) و مرد آویخته (Hanging Man)



شکل 3-30

چکش و مرد اعدامی دقیقا شبیه به هم به نظر می رسند، اما بسته به عملکرد قبلی قیمت، پیامدهای متفاوتی دارند. هر دو دارای بدنه کوچک سیاه و سفید، سایه های بلند پائین و سایه های کوتاه بالا هستند. مانند شکل گیری اکثر الگوهای تکی یا دوئل (متشکل از دو شمع)، چکش و مرد آویخته هم قبل از عمل نیاز به تأیید دارند.

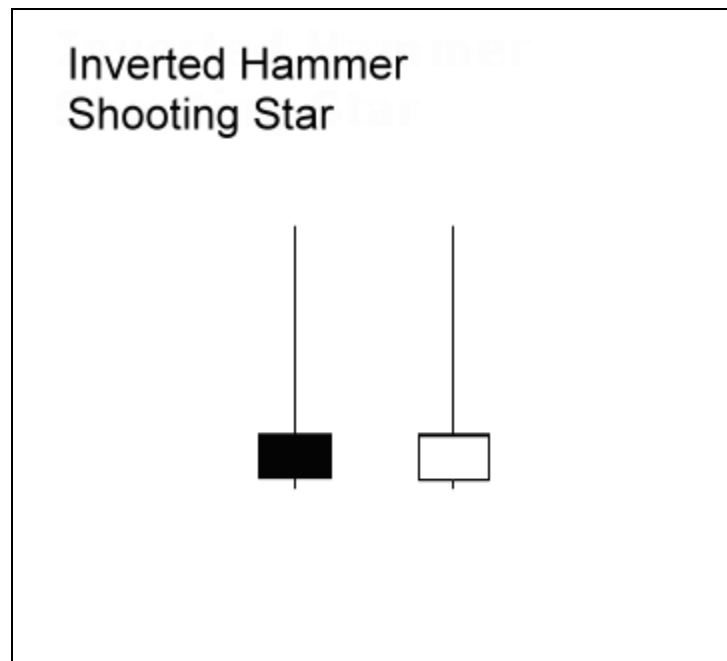


شکل 3-31

به شکل 3-31 دقت کنید. چکش یک الگوی تغییر روند به بالا است که پس از نزول قیمت شکل می گیرد. چکش علاوه بر تغییر جهت بالقوه روند، می تواند نشانه نقطه پائین بازار یا مقاومت پشتیبان باشد. چکش ها پس از سقوط

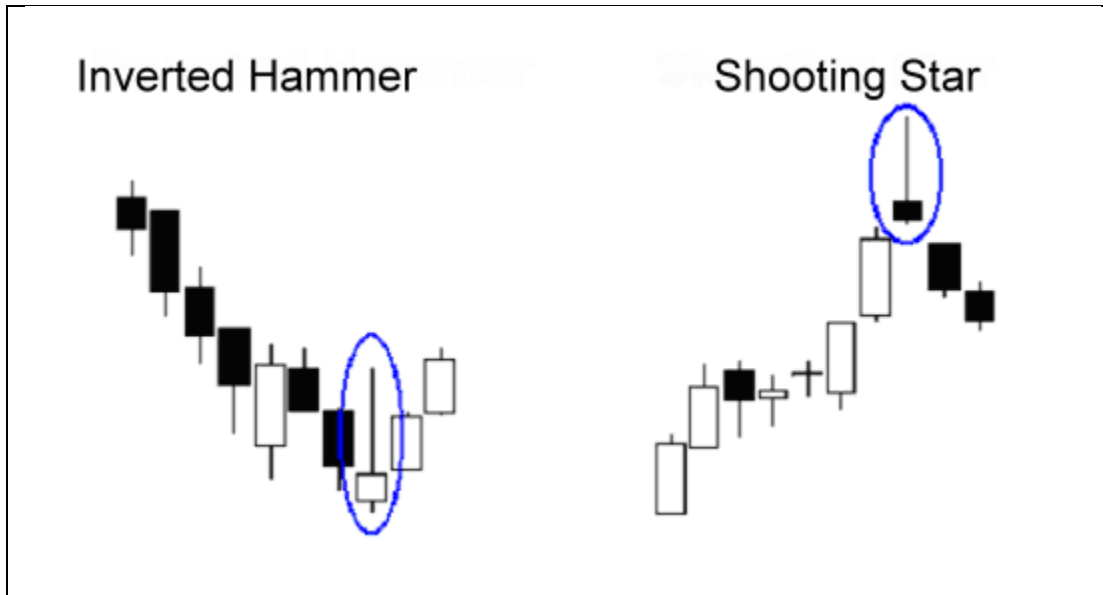
مرد اعدامی یک الگویی تغییر جهت روند به پایین است که می تواند نشانه اوج یا سطح مقاومت بالا باشد. این الگو پس از صعود شکل می گیرد و نشان از آن دارد که فشار فروش رو به افزایش است. قیمت پائین سایه بلند زیرین، تأیید می کند که فروشندگان در طول دوره قیمت ها را کاهش داده اند و خریداران موضع خود را پس گرفته اند و در انتها قیمتها را بالا برده اند اما ظهور فشار فروش نشانه ای برای احتیاط است. مرد اعدامی مانند چکش، قبل از عمل به تأیید پایین رو نیاز دارد. چنین تأییدی می تواند از شکافی رو به پائین یا شمع سیاه بلند با حجم سنگین به دست آید.

چکش وارونه (Inverted Hammer) و شهاب (Shooting Star)



شکل 3-32

چکش وارونه و شهاب کاملاً مشابه هم هستند اما بسته به عملکرد قبلی قیمت، پیامد های متفاوتی دارند. هر دو شمع بدنه های کوچک سیاه یا سفید، سایه های بلند بالا و سایه کوتاه پائین دارند. این شمع ها نشانه تغییر جهت های بالقوه روند هستند اما قبل از عمل کردن به تأیید نیاز دارند.



شکل 3-33

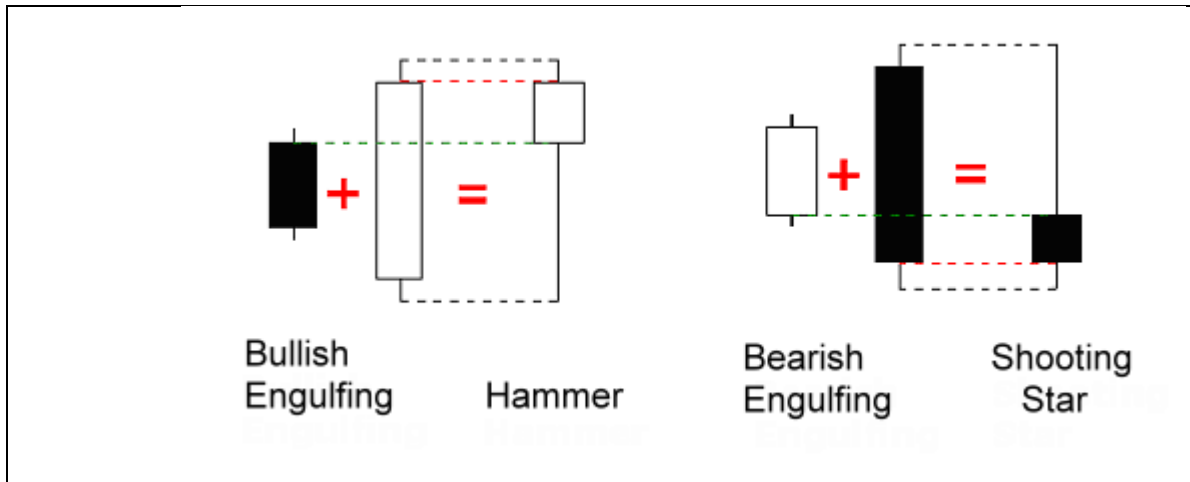
شهاب یک الگوی تغییر جهت به پایین است که همانگونه که از نامش پیداست پس از صعود قیمت و در وضعیت ستاره تشکیل می شود. شهاب می تواند نشان از تغییر جهت بالقوه روند یا برخورد با سطح مقاومت داشته باشد. برای نشان دادن یک تغییر جهت واقعی، سایه بالا باید نسبتاً بلند و حداقل دو برابر طول بدنه باشد. پس از شهاب، تأیید روند پایین رو لازم است و می تواند به شکل شکاف رو به پایین یا شمع سیاه بلند با حجم سنگین باشد.

چکش وارونه دقیقاً شبیه به شهاب است اما پس از نزول قیمت یا روند نزولی شکل می گیرد. چکش وارونه نشان دهنده تغییر جهت بالقوه روند یا سطح مقاومت است. پس از نزول قیمت، سایه بلند بالا، فشار خرید را در طول جلسه نشان می دهد. هر چند خریداران قادر به حفظ این فشار نبودند و قیمت ها کاملاً متفاوت با قیمت بالا بسته شده تا در بالا سایه بلند ایجاد کند. به دلیل این شکست قبل از عمل، تأیید بالا رو لازم است.

ترکیب نمودارهای شمعی

الگوهای شمعی از یک یا چند شمع شکل می گیرند که می توانند با هم درآمیزند و یک شمع تشکیل دهند. این شمع در هم آمیخته، ماهیت الگو به خود می گیرد و می تواند با استفاده از موارد زیر شکل گیرد:

- قیمت ابتدایی شمع اول
- قیمت پایانی شمع آخر
- قیمت بالا و پائین الگو



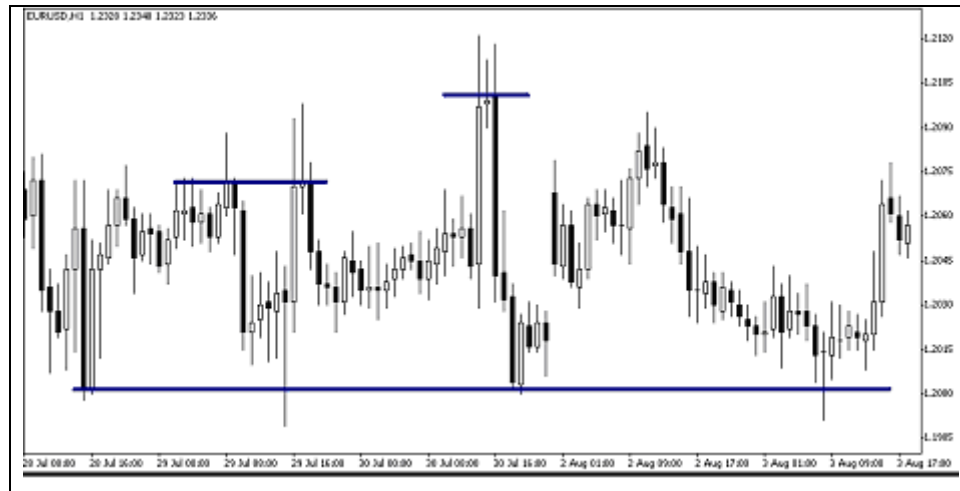
شکل 3-34

شمع ها و مقاومت

شمع های منفرد و الگویی شمعی را می توان برای تأیید یا نشان دادن مقاومت پشتیبان به کار برد. شمع ها در یک محدوده معاملاتی، می توانند به انتخاب نقاط ورودی برای خرید نزدیک مقاومت پشتیبان و فروش نزدیک مقاومت بالا کمک کنند. شمع ها و الگوهای تغییر جهت بالا رو حکایت از آن دارد که بر فشار اولیه فروش غلبه شده و فشار خرید جهت یک پایان قوی ایجاد شده است. چنین عملکردی نشانه تقاضای قوی است و ممکن است ناحیه مقاومت پشتیبان ایجاد شود.

چکش وارونه، شمع سفید بلند و ماربوزو بیشتر نشانه فشار افزایش یافته خرید هستند تا یک وارونگی واقعی قیمت. چکش وارونه با سایه بلند بالایی خود، نشانه علاقه به خرید است که تا پایان دوره زمانی کمرنگ می شود. شمع سفید بلند و ماربوزو فشار خرید پایدار را نشان می دهد که در آن قیمت ها افزایش شدیدی از قیمت اولیه به قیمت پایانی داشته است.

داجی و فرفره حاکی از بی تصمیمی هستند و عموماً خنثی در نظر گرفته می شوند. این الگوهای غیر وارونگی، کاهش فشار فروش را نشان می دهند اما لزوماً به معنی احیای فشار خرید نیستند. پس از نزول، ظهور یک داجی یا فرفره دلیل فروکش ناگهانی فشار فروش است. بین خریداران و فروشندگان حالت کناره جویی وجود دارد و ممکن است سطح مقاومت شکل گیرد.



شکل 3-35

مرد اعدامی شمع سیاه بلند و ماربوزو سیاه بیشتر نشانه فشار افزوده فروش هستند تا وارونگی واقعی. پس از صعود، سایه بلند پائین مرد اعدامی نشان از فشارفروش دارد که در انتها بر آن غلبه شده است در این حالت سهام به بالای قیمت پائین خود رسیده اما توانایی فروشندگان برای پائین آوردن قیمت ها به ما احتیاط را توصیه می کند. شمع سیاه بلند و ماربوزو سیاه فشار فروش پایدار را نشان می دهد که از آغاز تا پایان قیمتها را به میزان قابل توجهی پائین آوردند. چنین فشار فروش شدیدی نشانه ضعف خریداران است و امکان ایجاد یک سطح مقاومت وجود دارد.

نتیجه گیری

در این قسمت با خطهای مقاومت که نواحی کلیدی برای نشان دادن ارتباط میان نیروی عرضه و تقاضا هستند آشنا شدیم که مقاومت های پایین تر از قیمت فعلی را مقاومت پشتیبان و مقاومت های بالاتر از قیمت فعلی را مقاومت بالا نامگذاری کردیم. این مقاومت ها می توانند افقی یا مورب مانند موارد زیر باشند.

خط روند مورب: خط روند یک مقاومت مورب با معادله خط $(Price = a * time + b)$ است که a, b اعداد ثابت هستند. همان طور که در گذشته اشاره شد در تحلیل فنی ما به بررسی سه مولفه زمان، قیمت و حجم می پردازیم که خط روند در بر گیرنده دو مولفه زمان و قیمت است و موقعیتی را نشان می دهد که عرضه یا تقاضای خالص (Net Supply or Net Demand)، غالب است و باعث حرکت قیمت در یک جهت می شود.

خط مقاومت افقی: خط مقاومتی است با معادله $(Price = a)$ که a یک قیمت ثابت است و مجموعه ای از نقاط کلیدی است که می تواند تغییر ارتباط میان عرضه و تقاضا را به ما نشان دهد. مقاومت بالا بیانگر ناحیه ای است که قدرت عرضه بر تقاضا غالب و از افزایش قیمت جلوگیری می شود، شکسته شدن مقاومت بالا نشانه پیشی گرفتن نیروی تقاضا بر عرضه است. مقاومت پشتیبان بیانگر ناحیه ای است که قدرت تقاضا بر عرضه غالب و از کاهش قیمت جلوگیری می شود، شکسته شدن مقاومت پشتیبان نشانه پیشی گرفتن نیروی عرضه بر تقاضا است.

از این پس به تمام این خط ها، خط مقاومت می گوئیم که متناسب با موقعیت آنها نسبت به قیمت فعلی، مقاومت پشتیبان یا مقاومت بالا بودن آن را مشخص می کنیم. خطوط مقاومت افقی در طول زمان عدد ثابتی را به ما نشان

نزدیک مقاومت پشتیبان مناسب ترین نقاط برای خرید و نزدیک مقاومت بالا مناسب ترین نقاط برای فروش است. در نواحی معاملاتی (Trading Range) می توانیم معاملات کوتاه مدت با سود و ریسک کم داشته باشیم. روند ها فرصت های مناسبی برای سود گرفتن هستند و این مساله حائز اهمیت است که سرمایه گذاری ما هرگز نباید در خلاف جهت روند اصلی بازار باشد.